

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۲۷، پیاپی ۱۱۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۱۷۶-۱۵۳

## از روان شناسی تاریخی تا تاریخ روان شناختی<sup>۱</sup>

زهرا قدیانی نژاد رزکی<sup>۲</sup>، فؤاد پورآرین<sup>۳</sup>

حسین مفتخری<sup>۴</sup>، علیرضا مرادی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

### چکیده

روان شناسی به عنوان دانشی که درباره رفتار انسان بحث می کند، می تواند چشم اندازهای جدیدی در جهت بازخوانی گذشته برای پژوهشگران تاریخ ایجاد کند. هیچ دانشی به تنهایی قادر به شناخت تمامی جوانب حیات بشری نیست. با ارتباط تاریخ و روان شناسی دو رویکرد بین رشته ای «روان شناسی تاریخی»<sup>۶</sup> و «تاریخ روان شناختی»<sup>۷</sup> یا «تاریخ روان»<sup>۸</sup> شکل گرفت. در «تاریخ روان شناختی» تاریخ نگاران سعی می کنند نظریه ها و روش های روان شناسانه را در تحلیل پدیده های تاریخی به کار بگیرند، همان گونه که در «روان شناسی تاریخی» روان شناسان از رهیافت های تاریخی در جهت تبیین رفتار انسان سود می جویند. تعامل بین تبیین های روان شناختی و زیست شناسی و پیشرفت در علوم اعصاب، زمینه را برای ارائه رویکردی جدید در تاریخ به نام «تاریخ عصب»<sup>۹</sup> به وجود آورد که با تأکید بر نظریه فرگشت، مغز را

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2021.36849.1546

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

Zahra.ghadiyani@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: Pour721@gmail.com

۴. استاد گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: moftakhari@khu.ac.ir

۵. استاد گروه روان شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: moradi@khu.ac.ir

- مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل روان شناختی نقش فرودستان شهری در نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران ۱۳۳۲-۱۳۳۰» در دانشگاه خوارزمی (تهران) در سال ۱۴۰۰ است.

6. Historical psychology.

7. Psychological history.

8. Psychohistory.

9. Neurohistory.

به‌عنوان کانون روایت تاریخ معرفی می‌کند. نویسنده با توصیفی فرایندی از روند تاریخی ارتباط تاریخ و روان‌شناسی، سعی در معرفی نگرشی نو در تبیین رفتار آدمی و تحلیل وقایع تاریخی دارد؛ البته با تأکید بر «تاریخ روان‌شناختی» و اهمیت استفاده از دانش روان‌شناسی و دانش مرتبط با آن یعنی زیست‌شناسی. این روش در ایران کمتر شناخته شده است. شکل‌گیری جریان تکامل‌گرا غیر از ساختارهای جسمانی در رابطه با رفتار آدمی نیز درخور طرح است. تن و روان انسان هر دو در یک فرایند تاریخی شکل گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** روان‌شناسی تاریخی، تاریخ روان‌شناختی، تاریخ روان، تاریخ عصب.

#### مقدمه

تاریخ به‌لحاظ شیوه نگارش و چگونگی بازتاب حوادث تاریخی، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است و نگرش‌های جدیدی در قلمرو تاریخ‌نگاری، به‌منظور بازنگری در تحلیل مسائل تاریخی پرورش یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری جدید، تغییر نگرش به حوادث گذشته و میزان دخالت انسان در آن است. تاریخ چه به‌معنای رویدادهای حیات بشری در طول زمان یا گزارش رویدادها در آن عنصر انسانی نقش محوری دارد. در واقع، مورخان در واکاوی وقایع و تجارب مهم بشری در گذشته، به‌دنبال انسان هستند. برخی از پژوهشگران باور دارند تاریخ علم خودشناسی است (Vaughn-Blount et al, 2009:118). آشکار است که مسئله «خود» به ماهیت انسان گره خورده است. تاریخ رمزنگاری که هم در حیطه علوم انسانی و هم شاخه‌هایی از علوم طبیعی مانند پزشکی و زیست‌شناسی قرار می‌گیرد، در بازخوانی تاریخ با رویکرد روان‌شناختی، دستاوردهای دانش روان‌شناسی یاریگر مورخان در جهت فهم عمیق‌تر انگیزه‌های درونی انسان و واکاوی و فهم اعمال انسانی در علل وقوع حوادث تاریخ است. به نظر می‌رسد در روزگار ما، کلیو<sup>۱</sup> خیلی تحت‌تأثیر افسانه سایک<sup>۲</sup> قرار گرفته است.

در دنیای مطالعات دانشگاهی و علمی غرب، پژوهش‌های متنوع و گسترده‌ای در ارتباط تاریخ و روان‌شناسی اختصاص یافته است. ویلیام گلیمور در کتاب خود<sup>۳</sup> لیستی از ادبیات

۱. Clio (Kelio) الهه تاریخ در اساطیر یونان، با شیپوری در دست که به افتخار قهرمانان تاریخی در آن دمیده می‌شود.

۲. Psychology، از ریشه یونانی psychē است. در اساطیر، سایکی (پسوخته) با نماد پروانه، شاهزاده‌ای زمینی است که ونوس به او حسادت می‌کند، بنابراین پسرش اروس (کوپیدو) را مأمور از بین بردن سایکی می‌کند، اما اروس عاشق سایکی می‌شود. (www.etymonline.com)

3. William Gilmore. Psychohistorical Inquiry: A Comprehensive Research Bibliography.

پژوهشی منتشرشده تا سال ۱۹۸۱ پیرامون روان‌شناسی تاریخی را ارائه می‌دهد. رانیان<sup>۱</sup> ویراستار و نویسنده کتاب *روان‌شناسی و تفسیر تاریخی* در مقدمه کتاب با عنوان «زمینه تاریخی و مفهومی روان‌شناسی تاریخی» به تاریخچه رابطه بین روان‌شناسی و تاریخ اشاره می‌کند. بخش اصلی کتاب نیز شامل مقالاتی در این زمینه است. افزایش انتشار مقاله‌ها، کتاب‌ها، نشریات، تعداد پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی، برگزاری کنفرانس‌ها و دوره‌های آموزشی در این دوران نشانگر علاقمندی پژوهشگران به این رویکرد جدید است.

به تدریج با توجه به رویکردهای مختلف روان‌شناسی، نظریه‌های زیادی برای تحلیل رفتار انسان به کار رفت. امروزه روان‌شناسی این امر را مبنای نظریاتش قرار داده که گونه مدرن انسان ماحصل دو نیروی تکامل زیستی و تکامل اجتماعی است. بنابراین هم پدیده‌های ذهنی<sup>۲</sup> و عوامل مؤثر زیرپوستی (زیست‌شناختی) و هم رفتار مشاهده‌شونده (عینی) و عوامل اجتماعی در مطالعات روان‌شناسی مدنظر قرار می‌گیرد. دیدگاه جدید روان‌شناسان، مورخان را نیز تحت تأثیر قرار داد. شناخت عوامل زیستی موجب گسترده‌گی افق دید و توانایی مورخان شد و ابزاری جدید برای مورخان برای تفسیر شواهد تاریخی فراهم کرد. بدین ترتیب تاریخ با طبیعت و فرهنگ مرز مشترک پیدا کرد. امروزه در غرب تاریخ‌پژوهان بسیاری بر مبنای این دیدگاه به تبیین تاریخ می‌پردازند. متأسفانه تاریخ‌نگاران ایرانی کمتر به اهمیت استفاده از دستاوردهای دانش روان‌شناسی در تحلیل تاریخ علاقه نشان داده‌اند و در پژوهش‌های زبان فارسی می‌توان به موارد محدودی مانند پژوهش بنی‌جمالی (۱۳۸۸) که در آن به معرفی و تاریخچه روان‌شناسی رهبران جهان پرداخته است و همچنین آقاجری (۱۳۹۲) و شهابی و احمدزاده (۱۳۹۵) اشاره کرد. آقاجری با تکیه بر نظریه ویگوتسکی، بر عوامل اجتماعی و فرهنگی در روان آدمی تأکید کرده است. با وجود آنکه عوامل اجتماعی و سیاسی بر طبیعت انسان سایه افکنده است، نمی‌توان منکر نقش فرایندهای علوم طبیعی به‌خصوص زیست‌شناسی در پیچیده‌ترین جزئیات حیات انسانی شد. به‌طور کلی در ایران درباره به‌کارگیری تفکر داروینی در رفتارشناسی و «تاریخ عصب» و استفاده از آن در ادبیات پژوهشی و آموزشی اصحاب علوم انسانی کاملاً غفلت شده است. این پژوهش با روش توصیفی (فرایندی) ضمن مرور شکل‌گیری تاریخ روان‌شناختی و اما و اگرهای آن، به اهمیت استفاده از دانش روان‌شناسی و دانش مرتبط با آن یعنی زیست‌شناسی در تحلیل وقایع تاریخی پرداخته است.

1. William McKinley Runyan (1947)

۲. Mental Phenomena مانند احساس، ادراک، اندیشه (تفکر)، هوش، شخصیت، حافظه و... است که قابل

مشاهده نیستند.

نویسنده می‌کوشد ضمن نشان‌دادن اهمیت ارتباط تاریخ و روان‌شناسی، رویکرد شناخت طبیعت زیست‌شناختی سرشت انسان را در تبیین رفتار آدمی معرفی کند. برای بیان موضوع ابتدا رویکرد روان‌شناسی در تبیین رفتار انسان و هم‌افزایی تاریخ و روان‌شناسی و به‌دنبال آن روان‌شناسی تاریخی با دو موضوع روان‌تحلیل‌گری در تاریخ و زندگی‌نامه روان‌شناختی بررسی شد و در پایان مطالبی در خصوص تاریخ روان‌شناختی و همچنین ارتباط تاریخ با زیست‌شناسی و نظریه فرگشت در جهت معرفی «تاریخ عصب» ارائه شد.

رویکرد دانش روان‌شناسی در تبیین رفتار انسان

قدمت روان‌شناسی به‌عنوان یکی از اعضای خانواده فلسفه را می‌توان تا سده چهارم و پنجم قبل از میلاد دنبال کرد. اما روان‌شناسی نوین، به‌تدریج از فلسفه فاصله گرفت و جنبه علمی‌تری یافت. آغاز پژوهش‌های روان‌شناختی به‌شکل علمی در اواخر قرن هفدهم به‌دست رنه دکارت شکل گرفت که از آن با نام روان‌شناسی تبیینی<sup>۱</sup> یا تجربی یاد می‌شود. دکارت توجهش را از روح به ذهن<sup>۲</sup> و فرایندهای آن معطوف کرد و راه را برای مطالعه علمی انسان بر اساس نظام علّی که مدّعی «معقول‌ساختن تمام پدیده‌های ذهنی» است، هموار کرد. (دیلتای، ۲۰۹:۱۳۹۲) در اواخر قرن نوزدهم، ویلهلم وونت<sup>۳</sup> اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را بنا نهاد و روش تجربی آزمایشگاهی را جهت مطالعه فرایندهای ذهنی و تبیین رفتار انسان به کار برد.

مطرح‌ترین رهیافت‌های روان‌شناسی مانند، روان‌کاوی، رفتارگرایی، شناختی و زیستی هر کدام به‌گونه‌ای متفاوت به تبیین چرایی انسان پرداخته‌اند. روان‌شناسان به‌تدریج از مطالعه رفتارهای متعارف و مفاهیم روان‌کاوی درباره مطالعه ذهن، به سمت و سوی درک پردازش

---

۱. (Explanativ) که گاهی آن را روان‌شناسی ساختاری یا سازنده (Constructive) می‌نامند (دیلتای، ۲۲۷:۱۳۹۲).

۲. (Mind) ذهن، در عربی عقل، روان (Psych)، روح (Spirit)، نفس (ego/self) و جان (life) دارای معانی متفاوت (به‌خصوص در مباحث دینی و فلسفه) ولی مرتبط با هم هستند که اغلب هم‌پوشانی معنایی دارند و در بعضی فرهنگ‌های لغت مترادف در نظر گرفته می‌شوند (مانند [www.britannica.com](http://www.britannica.com) یا [www.oxfordlearnersdictionaries.com](http://www.oxfordlearnersdictionaries.com)) برخی لغات در گذر زمان ضمن حفظ معنای پیشین معنای جدیدی به خود می‌گیرند. در فلسفه معاصر غرب آن جوهر غیرمادی که در معنای کلاسیک خود روح و نفس خوانده می‌شد، به‌تدریج ذهن نام گرفت. امروزه mental نیز تنها به معنای ذهن نیست و به معنای روح و روان هم آمده است. ([www.etymonline.com](http://www.etymonline.com)) فیلسوفان اسلامی با توجه به آموزه‌های مذهبی دیدگاه متفاوتی دارند. به‌عنوان مثال، ابوعلی سینا، برای انسان سه قسمت تن، روح و نفس را در نظر می‌گیرد.

3. Wilhelm Wudnt (1832-1931)

اطلاعات<sup>۱</sup> انسانی متمایل شدند. در روان‌شناسی شناختی یادگیری در انسان یک فعالیت مستمر پردازش اطلاعات است که عملکرد آن به دست سیستم عصبی انجام می‌شود. رویکرد محاسباتی توانست تعداد زیادی از رفتارهای انسان را که غایت‌شناسانه به نظر می‌آیند، از طریق علیت فیزیکی توضیح دهد و زمینه مناسبی برای ورود نظریه فرگشت داروین به حیطه روان‌شناسی فراهم شد و منطق پژوهش‌های علمی در مسیر کاملاً نوبنی قرار گرفت. به گفته باس (۱۳۹۴: ۴۴) «شواهد و مدارک متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد رفتارها نیز مشمول فرایند تکامل هستند». بدین ترتیب، روان‌شناسی تکاملی متولد شد که هدف آن فهم سازوکار ذهن و مغز انسان از منظر تکاملی است با این دیدگاه، تاریخ انسان فقط تاریخ چند هزار سال فرهنگ و تمدن نیست. شاید بتوان روان‌شناسی تکاملی را کندوکاوی تاریخی در تن و روان انسان در جهت یافتن ردپای الگوهای رفتار پیشینیان تا به امروز دانست تا بتوان «نقشه‌ای جهان‌شمول از طبیعت انسانی» ترسیم کرد (توبی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶). یونگ<sup>۲</sup> نیز در اوایل قرن بیستم، منشأ بسیاری از رفتارهای انسان را ناشی از نمادهای کهن‌تر از تاریخ ثبت‌شده بشر یا کهن‌الگوها (سرزمون‌ها)<sup>۳</sup> می‌پنداشت که شامل تمامی تجربه‌های بشریت است و ریشه در حیات نیاکان آدمی دارد. لوبون نیز به نوعی میراث مشترک روانی بین انسان‌های هم‌نژاد «روان‌نژادی» اعتقاد داشت (لوبون، ۱۳۹۵: ۲۷).

زیست‌جامعه‌شناسان<sup>۴</sup> نیز با کمک دستاوردهای علم ژنتیک به ترمیم نظریه داروین پرداختند. آنها اعتقاد دارند رفتارها در طی زمان تکوین یافته و از نسلی به نسل دیگر، به وسیله ژن‌ها به ارث می‌رسند. مطالعات ژنتیک یکی از مهم‌ترین تحولات در تاریخ معاصر روان‌شناسی است که تأثیر زیادی بر پژوهش‌های روان‌شناختی خواهد داشت. شاید میراث ما برای نسل‌های آینده بیش از آن چیزی باشد که تا به حال تصور می‌کردیم.

---

۱. در نظریه محاسباتی ذهن (نظریه اطلاعات)، ذهن مانند رایانه، به‌عنوان یک محاسبه‌گر اطلاعات را از محیط گرفته (ورودی) و به‌عنوان یک واسطه، آنها را در درون خود پردازش، تفسیر و ذخیره می‌کند و خروجی‌های جدیدی (پاسخ/رفتار) را درست می‌کند، یعنی ذهن را می‌توان شبیه رایانه فهمید و برنامه‌های رایانه‌ای پدید آورد که مسائل را مانند انسان حل کنند.

2. Carl Gustav Jung (1875-1961)

۳. (Archetype) الگو و مدل. از نظر یونگ، ایده (تصویر) فراگیر از ناخودآگاه جمعی است (www.etymonline.com).

۴. (Sociobiology) زیست‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی زیستی که گاهی نوداروینیسم نیز گفته می‌شود.

### هم‌افزایی تاریخ و روان‌شناسی

به نظرمی‌رسد، زیربنای نظری برای هم‌افزایی روان‌شناختی و تاریخ وجود دارد، زیرا تاریخ مطالعه عمل و تجربه انسان در گذشته و روان‌شناسی مطالعه رفتار و تجربه انسان در حال حاضر است (Runyan, 1988:3)، اما داستان ارتباط بین این دو را نمی‌توان به سادگی در بازشناسی علائق متقابل خلاصه کرد. درهم‌آمیختن روان‌شناسی با تاریخ و تکوین حوزه بین‌رشته‌ای، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است.

یکی از منابع تنش، تأکید بر متفاوت بودن روان‌شناسی و تاریخ در طبقه‌بندی علوم است. موقعیت روان‌شناسی در نقشه دانش، ارتباط مستقیمی با بحث‌های قرن نوزدهم، پیرامون رابطه بین علوم طبیعی و علوم انسانی<sup>۱</sup> دارد. تاریخی پرفرازونشیب و بیان‌کننده جزر و مد، حاکی از وابستگی و استقلال است. ویندل‌باند<sup>۲</sup> برخلاف پوزیتیویست‌ها که از روش واحد علوم طبیعی حمایت می‌کردند، علوم را بر اساس روش طبقه‌بندی کرد. رویکرد تعمیمی یا «نوموتیک»<sup>۳</sup> که در پی قانون‌سازی، به جنبه عام و مشترک میان پدیده‌ها می‌پردازد و رهیافت تفریدی (یکه‌نگارانه) یا «ایدئوگرافیک»<sup>۴</sup> که جنبه‌های منحصربه‌فرد پدیده‌ها را مطالعه می‌کند (Munsterberg: 1898, 5). دیلتای نیز بر لزوم روش‌شناسی خاصی برای علوم انسانی تأکید داشت. از نظر وی پدیده‌های طبیعی به‌گونه‌ای هستند که فهم و تفسیر در آنها راه ندارد، اما پدیده‌های اجتماعی محصول برداشت ذهن و فهم انسان است (دیلتای، ۱۳۹۴: ۱۶۹). به تدریج با فاصله گرفتن جسورانه روان‌شناسی از فلسفه، روان‌شناسی به حوزه دانش‌های تعمیمی وارد شد و نوعی رویکرد تجربی آزمایشگاهی در جهت تبیین رفتار انسان در پیش گرفت و در نتیجه نمی‌توانست با یکی از علوم یکه‌نگار جمع شود. در واقع تاریخی کردن روان‌شناسی تهدیدی علیه علمی بودن روان‌شناسی محسوب می‌شد و ممکن بود آن را دوباره به سمت فلسفه سوق دهد. بارزان<sup>۵</sup> مورخ فرانسوی، تمایز ماهیت رویکرد مورخ با روان‌شناس را به وسیله قیاس دو جمله نشان می‌دهد. روان‌شناس می‌گوید: «بخش اصلی شخصیت او سلطه‌گری بود.» و تاریخ با بیان جمله «آدم، دیدم و بر آن احاطه یافتم»<sup>۶</sup> ملاک‌های اصلی خود را مدنظر قرار می‌دهد (Barzun, 1972:58). به‌طور کلاسیک، روان‌شناسان همواره در

۱. Human Sciences و Humanities در زبان انگلیسی به علوم انسانی اشاره دارند. اما منظور از Human Sciences علمی است درباره انسان، یعنی به ژنتیک و زیست‌شناسی و مانند اینها هم اشاره دارد.

2. Wilhem Windelband (1848-1915)

3. Nomothetic Sciences

4. Idiographic Sciences

5. Jacques Barzun (1907-2012)

6. آدم، دیدم، فتح کردم (سخن سزار). veni, vidi, vici

جست‌وجوی عمومیت و تاریخ‌دانان بر توصیف و تبیین مراحل خاصی از رویدادها، متمرکز بوده‌اند و بالطبع تفاوت در روش‌ها در بدنه آموزشی تاریخ و روان‌شناسی وجود دارد. بنابراین بسیاری از روان‌شناسان تمایلی در استفاده از رهیافت‌های گذشته‌نگر در مطالعه روان آدمی، با قراردادن آنها در موقعیت‌های کمتر شناخته‌شده تاریخی ندارند؛ موقعیت‌هایی که در آنها داده‌ها ناقص، مشاهدات کنترل‌نشده و متغیرهای تصادفی و مزاحم زیادی وجود دارد. مطالعه نمونه‌ها در موقعیت‌های اجتماعی تاریخی خاص برای روان‌شناسان به‌منزله منبع و سکوی پرتابی برای ارائه و توسعه نظریات و فرضیات کلی بیشتر در نظر گرفته می‌شود.

مونستربرگ<sup>۱</sup> به‌عنوان رئیس انجمن روان‌شناسی آمریکا، علی‌رغم اینکه جدایی بین علوم را منطقی می‌داند و آن را تنها راه روان‌شناسی برای فرار از نابودی به‌واسطه مداخله در آرمان‌گرایی فکری تاریخی محسوب می‌کند، اما معتقد است هیچ تضادی بین علمی که حقایق منزوی‌شده و علوم تعمیم‌دهنده را مطالعه می‌کنند وجود ندارد و علوم را عملاً ترکیبی از اظهارات تاریخی و طبیعت‌گرایی می‌داند (Munsterberg, 1898: 6-7).

عامل مهم دیگر مجادله میان متفکران در جهت همگرایی روان‌شناسی و تاریخ، برداشت‌های متفاوت آنان از «روان‌آدمی» است. همان‌گونه که مونستربرگ اعلام کرد، تفاوت بین روان‌شناسی و تاریخ از نوع هستی‌شناسی است (Ibid: 16)؛ یعنی اختلاف آنها در روش نیست، بلکه در مواد و مصالح است. سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که «ماهیت انسانی» یک محصول تاریخی است که در گذر زمان و متأثر از مقتضیات اجتماعی (تربیت) شکل گرفته است یا طبیعتی «ذاتی» دارد که تحت تأثیر عوامل زیستی (سرشت) و تابع یک نظام عصبی قرار دارد. سرشت انسان با دو برداشت طبیعت‌گرایانه و تاریخ‌گرایانه در محدوده طیفی قرار می‌گیرد که در یک طرف آن تعیین‌کننده‌های زیستی قرار دارد و سرشت انسان امری ثابت در نظر گرفته می‌شود. از طرف دیگر، رویکرد تاریخی‌گرا<sup>۲</sup> قرار دارد که برای آدمی هستی‌ای خاص قائل است و انسان را موجودی تاریخی می‌داند و در نتیجه به تعیین‌کننده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اهمیت می‌دهد.

اگرچه انگیزه‌های بشری در طول تاریخ ماهیتی کمابیش یکسان دارند، قالب و شکل اندیشه و فکر همواره در حال نوسان و تغییر بوده است. میرسون<sup>۳</sup> پزشک و روان‌شناس فرانسوی مدعی بود که ذهن در طول دوره‌های تاریخی تغییرات اساسی می‌یابد. از نظر او، ذهن چیزی جز افزودن همه تحولات آن در طول تاریخ نیست و روان‌شناسان باید تاریخی‌بودن نمونه

1. Hugo Münsterberg (1863-1916)

2. historicism

3. Ignace Meyerson (1888-1983)

پژوهشی خود را در نظر داشته باشند (Pizarroso, 2013: 82) این نگاه به روان‌شناسی خصوصیت تاریخی می‌دهد. کالینگوود مخالف این موضوع بود که روان‌شناسی تجربی به مسائلی بپردازد که فقط از نظر تاریخی باید به آنها پرداخت، زیرا روان‌شناسی را دانشی می‌دانست که ذاتاً توانایی انجام چنین کاری را ندارد (Connelly & Costall, 2000: 151). او قبول داشت ویژگی‌های ثابتی در زندگی روانی انسان وجود دارند، اما اینها متعلق به سطح حیوانی است و در سطح عقلانی، علمی فراتاریخی درباره طبیعت انسان لازم است (Ibid: 159).  
روان‌شناسی تاریخی

زمانی که روان‌شناسان دریافتند «روان آدمی» در دوران مختلف تغییر می‌کند؛ توجه بیشتری به مطالعات تاریخی نشان دادند. رابرت واتسون<sup>۱</sup> استدلال کرد که با مطالعه تجربه و اندیشه انسان، تاریخ بعد دیگری به علم روان‌شناسی می‌افزاید و روان‌شناسان دیگر نمی‌توانند از تاریخ فرار کنند (Vaughn-Blount et al, 2009: 117). در روان‌شناسی تاریخی (گذشته‌نگر) کوشش می‌شود تا چهارچوب ذهنی قرون گذشته بازسازی و دیدگاه رایج درباره ماهیت ثابت و فرازمانی انسان از میان برداشته شود و از تعمیم و تحمیل اندیشه، احساس و زبان متعلق به جامعه کنونی بر جوامع دیگر پرهیز شود (دوس، ۱۳۹۶: ۱۱۰). این رهیافت ادعا می‌کند که ذهن دارای سابقه است و معماری ذهن با گذشت زمان و مکان تغییر می‌کند. ویلهم وونت علی‌رغم آنکه به‌عنوان پایه‌گذار علم روان‌شناسی تجربی و آزمایشی معرفی می‌شود، شاخه جدیدی نیز از روان‌شناسی به نام روان‌شناسی اجتماعی یا فرهنگی به نام «روان‌شناسی مردم» را پرورش داد که می‌توان آن را به‌عنوان نقطه عطفی در همگرایی روان‌شناسی و تاریخ دانست. کار وونت به‌نوعی دنباله کار لازاروس و اشتایتال<sup>۲</sup> بود که مجله «روان‌شناسی مردم و فلسفه» را ویرایش می‌کردند. (Pizarroso, 2013: 73) از اصحاب آنال، لوسین فور<sup>۳</sup> از روان‌شناسی تاریخی تحت عنوان تاریخ ذهنیت<sup>۴</sup> و حساسیت<sup>۵</sup> نام برده است (Shepherd, 1978: 409). به گفته هیوز، بلوخ و فور تعریف تازه‌ای از تاریخ به‌عنوان «مردم‌شناسی فرهنگی گذشته‌نگر» به دست دادند (هیوز، ۱۳۹۲: ۵۸). در اوایل قرن بیستم، ویگوتسکی<sup>۶</sup> و شاگردانش مانند لیئونتیف<sup>۷</sup> رویکردی تحت عنوان روان‌شناسی فرهنگی تاریخی یا اجتماعی تاریخی را پی‌ریزی کردند. نزد

1. Robert Watson (1909-1980)

وی در تأسیس بخش تاریخ روان‌شناسی انجمن روان‌شناسی آمریکا نقش داشت (۱۹۶۵)

2. Moritz Lazarus (1824-1903) and Heymann or Hermann Steinthal (1823-1899)

3. Lucien Febvre (1878-1956)

4. Mentalite

5. Sensibilite

6. Lev Vygotsky (1896-1934)

7. Aleksei Leontive (1903-1979)



ویگوتسکی، شرایط تاریخی و اجتماعی تکوین شعور و فهم رفتار انسان مدنظر قرار گرفت. به گفته لیونتیف، برای توصیف عقاید ویگوتسکی باید شخص روان‌شناس و مورخ باشد (لیونتیف، ۱۳۷۶: ۱۱۹). در اواخر قرن بیستم، گروهی از روان‌شناسان که با کلینیک روان‌شناختی هاروارد، انجمن روان‌پزشکی آمریکا و انستیتوی روان‌کاوی در شیکاگو و انستیتوی روان‌شناسی تاریخی لوید دیمز در نیویورک ارتباط داشتند، در زمینه روان‌شناسی تاریخی و زندگی‌نامه‌روانی، آثار پژوهشی منتشر کردند (Runyan, 1988: 16-17).

در واقع روان‌شناسی حضور خود را در مطالعات پدیده‌های تاریخی با تکیه بر رویکردهای روان‌کاوی و روان‌تحلیل‌گری آغاز کرد. تاریخ «تاریخ روان»، اساساً از زمان نگارش اثر پیشگام فروید، *خاطره‌ای از کودکی لئوناردو داوینچی*، آغاز می‌شود. هر چند قبل از فروید، آثاری در این زمینه منتشر شده بود. شاید بتوان یکی از مفصل‌ترین آثار درباره روان‌شناسی تاریخی پیش‌فرویدی را کتاب مورخ آمریکایی بارنز<sup>۱</sup> با عنوان *روان‌شناسی و تاریخ معرفی* کرد.

### روان‌کاوی و روان‌تحلیل‌گری در تاریخ

روان‌کاوی دارای قدرت تفسیری و درک رفتارهاست. روان‌کاو خاص‌تگاه رفتارها و حالات روانی هر فردی را در گذشته‌ای جست‌وجو می‌کند که به ناخودآگاه بیمار واپس رانده‌شده، اما اثرات آن در زندگی او باقی است. فروید نشان داد که انسان تا چه حد از ریشه‌های رفتار خودش ناآگاه است. وی معتقد بود که بخش عمده ریشه رفتار آدمی را باید در فرایندهای ناهشیار<sup>۲</sup> جست و نه در دلیل منطقی که خود شخص ارائه می‌دهد. او واقعیت را در تخیلات می‌جست و به ما زبان رؤیا و درک موارد غیرمعقول رفتار انسانی را آموزش داد. کشف فروید در زمینه نقش ضمیر ناخودآگاه در رفتار آدمی مدنظر جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان و حتی مورخان قرار گرفت. فروید خود نیز رهیافت‌های روان‌کاوانه را در مطالعه پدیده‌های تاریخی به کار بست. وی در «توتم و تابو» شکل‌گیری نخستین ممنوعیت‌ها در سرآغاز تاریخ بشری را تحلیل کرد و در *تمدن و ملالت‌های آن* نقش «رانه‌ها»<sup>۳</sup> را در تحول‌های تاریخی و شکل‌گیری تمدن تبیین کرد. به اعتقاد فروید فرهنگ و تمدن متعارض با طبع و نیازهای انسانی گسترش می‌یابد که نتیجه آن «اختلالات عصبی و اجتماعی» است. (فروم، ۱۳۵۷: ۲۵) با این دیدگاه، بین ارضای سائق‌های آدمی و فرهنگ رابطه معکوس وجود دارد.

هدف روان‌کاوی به آگاهی درآوردن ریشه‌های ناخودآگاه رفتار است، گذشته را در حال

1. Harry Elmer Barnes (1889–1968)

2. Unconscious. باورهایی که شخص از وجود آن آگاه نیست، اما بر رفتار او اثر می‌گذارد.

3. Drive

دیدن و بازیابی گذشته (تاریخ فردی) برای فهم اکنون، همانند کاری که مورخ انجام می‌دهد. روان‌کاوی در درجه اول متوجه خاطرات شخصی از گذشته می‌شود و تاریخ به خاطرات گذشته اجتماعی و عمومی می‌پردازد. پیترگی علت نزدیکی روان‌کاوی و تاریخ را این می‌داند که هر دو علم، گذشته را اصل قرار می‌دهند. موضوع محوری برای هر دوی آنها تجربه است. بنابراین روان‌کاوی می‌تواند به‌عنوان ابزار کمکی به مورخان و تاریخ‌دانان برای درک گذشته کمک کند و تاریخ‌دانان به‌وسیله آن می‌توانند ابعاد زیرین تجربه را کشف و بررسی کنند و تحلیل جامع‌تری از گذشته فردی و جمعی ارائه دهند (Runyan, 1988:7). به باور مجتهدی تعامل میان تاریخ و روان‌کاوی امکان‌پذیر است؛ زیرا بنیاد روان‌کاوی مانند تاریخ بر کلامی‌سازی تاریخچه زندگی افراد و تفسیر و تحلیل آن استوار است (مجتهدی، ۱۳۹۲: ۳۸۱). به باور برخی از نویسندگان، روان‌کاوی نمی‌تواند بنیان کافی را برای روان‌شناسی تاریخی فراهم کند. تریور-روپر<sup>۱</sup> مورخ انگلیسی این نقص را ناشی از ماهیت روان‌کاوی عنوان می‌کند؛ زیرا روان‌کاوی در بهترین حالت، روشی درمانی است، نه تحقیق و پژوهش، حتی اگر در کاربرد نیز نتیجه بدهد، این به معنی درست‌بودن آن نیست و به‌طور کلی روان‌کاوی، روشی برای دستیابی به واقعیات نیست، بلکه بیشتر افسانه‌درمانی است (Shepherd, 1978:408).

از منظر روش، اساس کار روان‌کاو پرس‌وجو، جمع‌آوری اطلاعات و مصاحبه بالینی از بیمار است. بهره‌گیری از روان‌تحلیل‌گری برای تحلیل تاریخی و افرادی که در قید حیات نیستند، با دشواری انجام می‌شود؛ زیرا با مرده نمی‌توان گفت‌وگو کرد. پژوهشگر خود را در ذهن شخصیتی تاریخی قرار می‌دهد که قرار است، آن را مطالعه کند. بنابراین تجارب شخصی، اعتقادات و ارزش‌های وی در چنین تحلیل‌هایی راه می‌یابد. در واقع فاصله میان حقیقت بیوگرافیک و تفسیر روان‌شناختی است که خطر و دام تفسیری روان‌تاریخی را فراهم می‌کند (شهابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۹-۹۵). پیترلاونبرگ<sup>۲</sup> استاد سابق دانشگاه کالیفرنیا، از اصطلاح انتقال متقابل یا واکنش شخصی مورخ به موضوع مورد مطالعه‌اش، استفاده می‌کند (Runyan, 1988:8)، واکنشی که نمی‌توان از آن اجتناب کرد. هر دو رشته تا حدی به‌دنبال درک احساسات، افکار و اعمال انسان هستند. عنصر اساسی در درک روان‌کاوی و تاریخی انسان‌ها، در عبارت معروف دیلتای «کشف مجدد من در تو»<sup>۳</sup> است. در هر دو رشته، درک زمانی محقق می‌شود که پژوهشگر خود را به‌جای دیگری بگذارد. انسان این توانایی را دارد بتواند خودش را در جای دیگری قرار دهد و در عالم فرض و اندیشه خود را به‌جای

---

1. Hugh Redwald Trevor-Roper (1914-2003)  
2. Peter Loewenberg (1933)  
3. The rediscovery of the i in thethou

دیگری فرض کند. برای درک گذشته باید «دیگران» را بفهمیم.

### زندگی‌نامه روان‌شناختی<sup>۱</sup>

مطالعات روان‌کاوانه و تاریخی فروید، در طول سده بیستم، بر تحلیل پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی و در تحلیل ویژگی‌های شخصیتی رهبران سیاسی استفاده شد. برخی از اندیشمندان مکتب فرانکفورت نظیر اریش فروم<sup>۲</sup> و هربرت مارکوزه<sup>۳</sup> از ترکیب نظریات فروید با آموزه‌های مارکسیستی برای تحلیل مسائل اجتماعی و سیاسی استفاده کردند. «شخصیت» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های روان‌شناختی رهبران تاریخی، از مهم‌ترین زمینه‌های روان‌شناختی استفاده شده در تاریخ است. فروید نخستین مطالعه رسمی در حوزه زندگی‌نامه روان‌شناختی با عنوان *خاطره‌ای از کودکی لئوناردو داوینچی* انجام داد و از آن زمان نگاه به دوران کودکی بُعد جدیدی پیدا کرد.

زندگی‌نامه به‌عنوان یک ژانر نسبت به دیگر شکل‌های تاریخ‌نگاری، بین عموم معروف‌تر است. البته تعدادی از تاریخ‌دانان از اینکه عموم مردم، زندگی‌نامه‌ها را به تحلیل‌های پرزحمت و عمقی آنان ترجیح می‌دهند شاکی هستند. برخی از مورخان نیز اعتقاد دارند چون، مطالعات مبتنی بر زندگی‌نامه، بر اساس نظریه مرد بزرگ در تاریخ و قهرمانان شکل یافته در نتیجه نخبه‌گرا و فردمحور است و درباره زندگی و مبارزات طبقات پایین اجتماع که در تاریخ رسمی غایب‌اند، غفلت می‌شود. این نگرش بالطبع مجادلاتی درباره زندگی‌نامه روانی و اینکه روان‌شناسی تا چه حدی می‌تواند برای تاریخ‌دانان سودمند و کاربردی باشد، به‌وجود می‌آورد. نگارش سرگذشت‌نامه‌های روان‌شناختی افراد مهم با نگاه فرویدی مدت‌ها تداوم یافت، اما با آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تئوریک و روش‌شناختی این مطالعات، اطمینان و اعتبار لازم را کسب نکرد (Runyan, 1988:4). علی‌رغم آنکه فضای عمومی هنوز تحت تأثیر تحلیل‌های فروید بود، دیگر مطالعات پیرامون تحلیل شخصیت‌ها صرفاً بر اساس مفاهیم و تئوری‌های فرویدی پیش نمی‌رفت. در اواخر قرن بیستم اکثر کارهایی که از روان‌کاوی در تاریخ استفاده می‌کردند، به‌طور گسترده‌ای انتقاد شدند؛ از جمله، به مطالعه فروید-بولیت، درباره وودرو ویلسون،<sup>۴</sup> اعتراضات زیادی صورت گرفت. دلیل این امر از سوی گزارشی که انجمن روان‌پزشکی آمریکا منتشر کرد (۱۹۷۶)، سوگیری آشکار، کاهش‌گرایی روان‌شناختی و

1. Psychobiography

2. Erich Fromm (1900-1980)

3. Herbert Marcuse (1898-1979)

4. Thomas Woodrow Wilson. A Psychological Study. By Freud and Bullitt. (1967)

ناکامی در اهمیت دادن به عوامل تاریخی و اجتماعی مؤثر در این حیطه، عنوان شده است. این گزارش را کارگروهی رسمی در مسئله تاریخ روانی، به نگارش درآورده بود. کارگروهی که به دستور انجمن روان‌پزشکی آمریکا، به منظور بررسی اصول بنیادی و تحقیق و پژوهش در این رشته، تشکیل شده بود (Shepherd, 1978: 407-408). باید خاطر نشان کرد روان‌شناسی فرایندهای انگیزشی، شناختی، احساسی و رفتاری افراد را مطالعه می‌کند. اگر افراد جایی در تاریخ نداشته باشند، آن‌گاه می‌توان نتیجه گرفت که روان‌شناسی نیز نمی‌تواند جایی در رشته تاریخ داشته باشد. از سوی دیگر، این ساده‌انگاران خواهد بود، اگر بگوییم، تاریخ با زندگی‌نامه برابر است. یا اینکه بگوییم، تاریخ را می‌توان به چیزی مانند مجموعه‌ای از زندگی‌نامه‌های افراد تقلیل داد. اما این نیز کاهش‌گرایانه خواهد بود اگر بگوییم، درک افراد و فرایندهای روان‌شناختی‌شان، هیچ سودی برای تحلیل تاریخی گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی، نهادها و ملت‌ها ندارد. نمی‌توان مثلاً ارتباط شخصیت و زندگی هیتلر به جنگ جهانی دوم یا لنین به انقلاب روسیه را در نظر نگرفت. تحلیل شخصیت و زندگی افراد می‌تواند در آشکار کردن طریقه فهم، تجربه و تبیین یک دوره یا رویداد تاریخی ثمربخش باشد. در واقع، سرگذشت‌نامه‌های روانی و روان‌کاوی نقش‌آفرینان تاریخ، با استفاده از نظریه‌های روان‌شناختی می‌تواند به فهم گسترده و ژرف‌تر تحلیل‌های تاریخی کمک کند و رویدادهای سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد.

به تدریج «روان‌کاوی» و «سرگذشت‌نامه‌های روان‌شناختی» به «تاریخ روانی» یا «روان تاریخ» تغییر مسیر داد. البته در این میان (دهه ۶۰ سده بیستم) گونه‌ای از مطالعات تاریخی و روان‌شناختی تحت عنوان «تاریخ از درون» ظهور کرد که به «آسیب‌های روانی» و «خاطره» در مطالعات توجه می‌کرد. می‌توان نمونه‌های آن را در کارهای هانا آرنست<sup>۱</sup> مشاهده کرد (آقاجری، ۱۳۹۲: ۲۸).

### تاریخ روان‌شناختی

چون عمل و فعل انسان ریشه در روان آدمی دارد، پس مورخان می‌توانند در جهت ریشه‌یابی درونی افعال آدمی به درون انسان سرک بکشند. بنابه تعریف فور «تاریخ روان‌شناختی» نگرشی خاص برای رسیدن به خود تاریخ است نه شعبه‌ای تخصصی از مطالعات تاریخی (هیوز، ۱۳۹۲: ۴۰). دیماز نیز، تاریخ روان را رشته کاملاً جدید می‌داند که کمتر می‌توان آن را به صورت شاخه‌ای از تاریخ یا روان‌شناسی در نظر گرفت (Shepherd, 1978: 407) علی‌رغم

---

1. Hannah Arendt (1906-1975)

مسئله‌آفرینی، امروزه رهیافت «تاریخ روان‌شناختی» به‌عنوان یکی از گرایش‌های میان‌رشته‌ای تاریخ، مانند تاریخ اقتصادی یا تاریخ سیاسی جایگاه خود را در مطالعات تاریخی تا حد چشمگیری تثبیت کرده است. اصطلاح «تاریخ روان» را در مجموعه داستان‌های تخیلی آیزاک آسیموف<sup>۱</sup> نیز مشاهده می‌کنیم. سلدون، نخست‌وزیر امپراتوری کهکشانی، با ترکیب ریاضیات، روان‌شناسی و تاریخ دانشی به نام «روان‌تاریخ» ابداع و سقوط امپراتوری کهکشانی را پیشگویی می‌کند.

هانری بر<sup>۲</sup> و مجله «سنتز تاریخی» او را می‌توان پیشگام نوسازی رشته تاریخ از طریق کاربری رهیافت‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه در مطالعات تاریخی دانست. علاقه وی به «روان‌شناسی تاریخی یا جمعی» مورخان مکتب آنال را تحت تأثیر قرار داد. انجام پژوهش‌هایی مانند «رابله، مسئله بی‌ایمانی در قرن شانزدهم» مارک بلوخ از جمله کوشش‌هایی بود که برای کاربری رهیافت‌های روان‌شناختی به تاریخ صورت گرفت که نشان داد پیوند میمون دو رشته تاریخ و روان‌شناسی تا چه اندازه پژوهش‌های تاریخی را اعتلا می‌بخشد. روان‌شناسی با رویکردی متفاوت الهام‌بخش اصلی مطالعات لوسین فور نیز بود. او برخلاف بلوخ که به توصیف فعالیت‌های نمادین جمعی و نمودهای ناخودآگاه ذهنی در گروه‌های مختلف جامعه نظر داشت، بیشتر از مدل‌های فردی برای کشف روان انسان استفاده می‌کرد (دوس، ۱۳۹۶: ۱۰۸). دعوت لوسین فور به «بازسازی ذهنیات» هر دوره (کشف ساختارهای اندیشه) موضوعی تازه بود و بر متفکران برجسته‌ای همچون میشل فوکو تأثیر گذاشت. آرون گورویچ<sup>۳</sup> مورخ روسی، در مراسم ششمین سالگرد بنیانگذاری آنال در رابطه با ماهیت تاریخ‌نگاری جدید اعلام کرد، «مفهوم کلیدی «دانش جدید تاریخ»، «ذهنیت» است» (منافزاده، ۱۳۶۹: ۵۶۹).

اما رویکرد بهره‌گیری از دانش روان‌شناسی در تحلیل وقایع تاریخی، با سخنرانی مورخ آمریکایی ویلیام لانگر<sup>۴</sup> در مقام ریاست انجمن تاریخ آمریکا در سال ۱۹۵۷ رواج یافت. عنوان سخنرانی او «وظیفه بعدی»<sup>۵</sup> بود که در آن همکارانش را به بالابردن سطح درک تاریخی خود با کمک مفاهیم و یافته‌های روان‌کاوی مدرن ملزم می‌کرد (Langer, 1958: 284). وی در جریان سخنرانی‌اش بیان کرد که در ارائه این نظریات، تا حدی وام‌دار برادر کوچکترش، والتر لانگر<sup>۶</sup> است. والتر روان‌کاو بود و در مطالعه‌ای که برای سازمان جاسوسی آمریکا و

1. Isaac Asimov (1920-1992)

نویسنده آمریکایی گونه‌های علمی تخیلی و استاد بیوشیمی دانشگاه بوستون بود.

2. Henri Berr (1863-1954)

3. Aaron Yakovlévitch Gourevitch (1924-2006)

4. William Leonard Langer (1896-1977) وی رئیس گروه تاریخ دانشگاه هاروارد بود

5. The Next Assignment

6. Walter Charles Langer (1899-1981)

متفکین، با عنوان «ذهن آدولف هیتلر»<sup>۱</sup> انجام داد به بررسی انگیزه‌ها و حوادث شکل‌دهنده زندگی هیتلر پرداخت. این اثر به‌نوعی ملاک‌های یک پژوهش تاریخ‌روانی را پیش‌بینی می‌کند (Shepherd, 1978:407)، مطالعه لانگر، تا چند سال منتشر نشد. چند ماه بعد از سخنرانی لانگر، انتشار کتاب اریکسون پیرامون لوتر توجه عموم را برانگیخت. کتاب اریکسون شاید هنوز تأثیرگذارترین تلاش برای بررسی بُعد روان‌شناختی تاریخ است (kohut, 1986:338). دو سال بعد اریکسون، مطالعه‌اش درباره گاندی را به نگارش درآورد و بعد از آن سیلی از کتاب‌ها و مقالات درباره چهره‌های معاصر، به چاپ رسیدند. اریکسون قطار تاریخ‌روانی را به حرکت درآورد؛ اما از نظر هیوز، چیزی جز زندگی‌نامه فردی به‌وجود نیامد (هیوز، ۱۳۷۸:۲۶۲).

ماده بحث‌شده در روان‌تاریخی را موضوعاتی از قبیل تاریخچه کودکی، سرگذشت‌نامه‌های روانی، مکانیسم‌های دفاعی و رؤیاها و خلاقیت‌های شخصیت‌های تاریخی تشکیل می‌دهد. طرفداران تاریخ‌روانی می‌کوشند با واردکردن عنصر اجتماعی و تاریخی در تحلیل «روان» آدمی امکان تبیین و توضیح تغییر و تحولات تاریخی را فراهم کنند. دیماز «تاریخ روان» را علم انگیزشی تاریخ توصیف می‌کند (Shepherd, 1978: 407).

در رویکرد تاریخ روان‌شناختی سؤالات مختلفی مطرح می‌شود؛ از جمله مدارک و شواهد لازم برای تفسیر روانی تاریخی، از چه نوعی هستند؟ آیا مورخ بدون گفت‌وگوی رودررو با شخص می‌تواند به این اطلاعات دست یابد؟ آیا تحلیل روانی تاریخی در مواردی مثل کوچک‌شمردن نیروهای بیرونی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یا در نسبت‌دادن تأثیر زیاد به تجارب اولیه کودکی و نادیده‌گرفتن عوامل بعدی مؤثر در شخصیت و رفتار، لزوماً تقلیل‌گرایانه عمل نمی‌کند؟ آیا به‌کارگیری نظریه‌ای روان‌شناختی که در آغاز قرن بیستم در وین بسط و توسعه یافته، برای مردم دیگر فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی، درست است؟ (Runyan, 1988:5) همچنین این مسئله مطرح می‌شود که مورخان علاقه‌مند تا چه حدی باید با نظریه‌های روان‌کاوی یا دیگر شاخه‌های روان‌شناختی آشنایی پیدا کنند و آیا نیازمند به آموزش رسمی هستند. مسلم است مطالعه و آموزش رسمی منجر به افزایش حساسیت مورخ به نیازها و خواسته‌های انسان می‌شود و ظرفیت مورخ را در درک هم‌دردانه افراد مطالعه‌شده بالا می‌برد. اما برخی اعتقاد دارند بعضی از مورخان دارای همدلی طبیعی و درک شهودی از روان‌شناسی انسان هستند و می‌توانند بدون بهره‌گیری از آموزش روان‌کاوی رسمی، به نوشتن مطالعات

۱. در سال ۱۹۶۵ سازمان سیا با حضور عده‌ای از متخصصان، مرکزی برای بررسی رفتار سیاسی رهبران تشکیل داد (بنی‌جمال، ۱۳۸۸:۶۴). احتمالاً هیتلر اولین سیاستمداری بود که موضوع تجزیه و تحلیل روان‌شناسی قرار گرفت.

پیچیده روان‌شناختی پردازند (Kohut, 1986:348). البته در روان‌شناسی تاریخی نیز، لازم است پژوهشگران علاقمند به این حوزه با تاریخ‌نگاری آشنا باشند، ظاهراً در کشورهای غربی نیز دوره‌های مرتبط را افرادی با دانش ناچیز از تاریخ‌نگاری و تحقیقات جدید تاریخی تدریس می‌کنند (Vaughn-Blount et al, 2009:122) مسئله مهم دیگر، نبود کنترل آزمایشگاهی رفتار انسان است. انسان موجودی نیست که بتوان او را کاملاً کنترل کرد. وجود عنصر انسانی همیشه باعث می‌شود ذره‌ای منحصر به فرد بودن باقی بماند. کنترل و احاطه بر نوع بشر، کار سختی است و همچنین جهت تحلیل رفتار انسان، نمی‌توان او را جدا از سایر هم‌نوعانش بررسی کرد. فرد باید در آزمایشگاه زندگی مطالعه شود. از سوی دیگر نتایج پژوهش‌های روان‌شناسی متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را کاملاً با تمامی انسان‌ها مطابقت داد. خطری که تحقیقات روان‌شناسان را تهدید می‌کند، گرایش بیش از حد آنان به مطالعات تجربی در آزمایشگاه است.

یکی از منتقدان استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی در تفسیرهای تاریخی دیوید استانارد<sup>۱</sup> مورخ آمریکایی است. وی مدعی است از اولین تلاش‌ها در عرصه روان‌شناسی تاریخی تا آثاری که امروزه در دست است، نوشته‌های روان‌تاریخ‌دانان، به‌طور پیوسته، با ویژگی‌هایی همچون داشتن نگرش تکبرآمیز به داده‌ها و حقایق، نگرش مخدوش به منطق، نگرش غیرمسئولانه به اعتبار نظریه و نگرش کوتاه‌بینانه به تفاوت‌های فرهنگی و نابهنجاری تاریخی، توصیف شده‌اند (Runyan, 1988:4). ژاک بارزان که ارزیابی‌های زیادی در رابطه با پژوهش‌های تاریخ‌روانی انجام داده است، علی‌رغم آنکه اهمیت روان‌شناسی را در جریان تاریخ رد نمی‌کند، عنوان می‌کند که تاریخ‌روان، رشته تازه‌ای نیست، تاریخ به حساب نمی‌آید، فهم و دریافت‌شان از شواهد سطحی و ضعیف است و اینکه عنوان علم و روان‌شناسی را غصب کرده‌اند و اصطلاحات فنی بی‌معنی و دست‌وپا شکسته این رشته، چیزی به درک ما اضافه نمی‌کند (Shepherd, 1978: 409).

در تاریخ‌روان، تاریخ‌پژوهان از ابزارها، روش‌ها و مفاهیم علمی دانش روان‌شناسی برای تحلیل تاریخ به‌صورت یک کل یا شخصیت‌های تاریخ به‌عنوان یک نمونه پژوهشی یاری می‌جویند و به «انگیزه‌های واقعی»، نه فقط آنچه که ما تصور می‌کنیم، بازیگران صحنه تاریخ نزدیک‌تر می‌شوند. پژوهشگر تاریخ، در عین حال که در جایگاه مورخی باقی می‌ماند، پدیده‌های تاریخی را از منظر روان‌شناختی و یکی از مهم‌ترین جنبه‌های گذشته انسان بررسی و تبیین می‌کند. در این رویکرد، مورخ باید چیزی را بنویسد که پیتیرگی آن را «تاریخ آگاه از

---

1. David Edward Stannard (1941)

روان‌کاوی<sup>۱</sup> خوانده است. تاریخی که از خود تاریخ سرچشمه می‌گیرد و دربارهٔ افراد آگاهی دارد و می‌تواند مطالعات اجتماعی، اقتصادی و ادبی را تقویت کند.

### ارتباط تاریخ روان‌شناختی با زیست‌شناسی

ما انسان‌ها از یک روان‌تاریخی مشترک برخورداریم که متأثر از فرهنگ، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهیم. پیچیدگی‌های روان آدمی حکایت از پیچ و خم‌هایی دارد که در طول میلیون‌ها سال در گذر زمان شکل گرفته است. «چند هزار سال فرهنگ و تمدن نمی‌تواند به همین آسانی اثر چند میلیون سال تکامل را پاک کند (توبی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰). به‌کارگیری تفکر داروینی در رفتارشناسی، بر درک این نکته استوار است که ژن‌ها، رفتار موجودات را به راه‌هایی که موفقیت تولید مثلی خود را تضمین کنند، هدایت می‌کند. یکی از محورهای تحقیقاتی یووال هراری<sup>۲</sup>، رابطه میان تاریخ و زیست‌شناسی است. وی در *انسان خردمند* برای تشریح تکامل اجتماعی بشر، از تکامل زیستی آغاز می‌کند. لوبون پیش‌بینی کرده بود که با پیشرفت زیست‌شناسی و مشخص شدن تأثیر گذشته بر تکامل موجودات زنده، علوم تاریخی هم دگرگون خواهند شد (لوبون، ۱۳۹۵: ۱۰۴). دیگر زمان آن رسیده بود که تاریخ عمیق‌تر<sup>۳</sup> و با شیوه‌های جدید تفکر دربارهٔ گذشتهٔ انسان بررسی شود. به‌همین ترتیب، مغز به‌عنوان عضو زیست‌شناختی روان و با قرارگرفتن در کالبد زیست‌شناختی تاریخی جایگاه ویژه‌ای یافت. استیومیتن<sup>۴</sup> باستان‌شناس معاصر، «انفجار بزرگ»<sup>۵</sup> را به‌دلیل رخ دادن برخی تغییرات ژنتیکی ناشناخته در ساختار مغز عنوان می‌کند (Ramachandran, 2000: 4). از نظر دانیل اسمایل<sup>۶</sup>، استاد تاریخ دانشگاه هاروارد و مدافع تاریخ عمیق، فرهنگ ارزش را می‌سازد که در نتیجهٔ آن ساختارهای مختلف را برای انتخاب طبیعی امکان‌پذیر می‌کند. بنابراین گنجاندن مغز در تاریخ، روش‌های جدیدی برای اندیشیدن دربارهٔ فرهنگ و شرایط انسانی ناشی از آن فراهم می‌کند (Burman, 2012: 92). شناخت طبیعت انسان و به‌ویژه پی‌بردن به راز و رمز مغز می‌تواند ما را

1. history informed by psychoanalysis

2. Yuval Noah Harari (1976)

۳. Deep history، اصطلاحی برای گذشتهٔ دور گونه‌های انسانی است. طرفداران این رویکرد، محققان در زمینهٔ انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، ژنتیک، زبان‌شناسی و... را تشویق می‌کنند تا با همکاری هم یک روایت مشترک دربارهٔ آغاز بشر بنویسند.

4. Steven Mithen

۵. از زمان انسان ماهر تا پیدایش انسان خردمند حجم مغز بزرگ‌تر شد. انسان خردمند توانست به شیوه‌های نوینی بیندیشد و توانایی‌هایی انسان به منصفهٔ ظهور رسید. دوره‌ای که هراری آن را «انقلاب‌شناختی» می‌نامد. (هراری، ۱۳۹۶: ۴۷)

6. Daniel Lord Smail (1961)



در شناخت گذشته و انسان یاری رساند و به ما امکان می‌دهد داستان‌های جدید و متفاوتی درباره گذشته مشترک<sup>۱</sup> خود بگوییم. با وجود آنکه، رفتارها فسیلی از خود باقی نمی‌گذارند، اما پیشرفت‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل DNA کمک می‌کند گذشته را بازنویسی کرده و به درک بهتری از مفهوم انسان برسیم. ژن‌ها مانند فسیل‌ها یا سایر منابع تاریخی اسناد بسیار خوبی برای تعیین تاریخ و هویت ما هستند.

پرسش بنیادی که در رابطه با ارتباط ذهن و مغز مطرح می‌شود، این است که یک دستگاه فیزیکی می‌تواند خاستگاه آگاهی و تجربیات ذهنی باشد. اغلب مغز مادی را از مفهوم روح جدا دانسته‌اند<sup>۲</sup> اما به تدریج و با گسترش نگاه فیزیکالیسم که منکر دوگانگی نفس و بدن است، نظریه «این‌همانی ذهن و مغز»<sup>۳</sup> مطرح شد. از اواخر قرن بیستم، ارتباط خودآگاهی (ماهیت ذهن) با مغز به حوزه روان‌شناسان فیزیولوژیک و عصب روان‌شناسان و دانشمندان علوم اعصاب پا نهاد. نتایج این تحقیقات مدنظر پژوهشگران حوزه علوم انسانی نیز قرار گرفت. امروزه شاهد شکل‌گیری جامعه‌شناسی تکاملی، فلسفه ذهن و حتی فیلسوفان اعصاب (تجربه‌گرا)<sup>۴</sup> هستیم.

دانیل اسمایل در کتابش<sup>۵</sup> برای ورود علوم اعصاب و زیست‌عصبی به قلمرو تاریخ و بازسازی گذشته، جسورانه «تاریخ عصب» را پیشنهاد می‌کند. از دیگر طرفداران تاریخ عصبی می‌توان به لین هانت<sup>۶</sup> استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا اشاره کرد. وی خواهان انقلابی در روش تاریخی هست و از «تاریخ از درون» نام می‌برد. تاریخی که در آن احساس نقش دارد (Burman, 2012: 92) همچنین جوهانی ایهانوس<sup>۷</sup> استاد روان‌شناسی دانشگاه هلسینکی، نیز در پی عصب روان‌کاوی<sup>۸</sup> پیشنهاد رویکردی به نام «عصب تاریخ روانی»<sup>۹</sup> می‌دهد که

---

۱. علی‌رغم تنوع فرهنگی، ویژگی‌های رفتاری مشابه مانند ترس از مار یا ارتفاع در بین انسان‌های کره زمین مشاهده می‌شود، همان مواردی هستند که در محیط اجداد شکارچی‌اش نیز به‌عنوان خطر محسوب می‌شدند. حتی عشق امری جهان‌شمول است. تقریباً تمام افرادی که در زمینه زیست‌شناسی اجتماعی کار می‌کنند، نیز روان‌شناسان تکاملی، به یگانگی روانی بشر اذعان دارند (کارترایت، ۲۰۰۱: ۱۳۹۴).

۲. جدی‌ترین مشکل دوگانه‌نگاری (Dualism) توضیح تعامل و همبستگی بین فعالیت مغزی و عملکرد روانی است.

3. The Mind/Brain Identity Theory

۴. Neurophilosophy. انتشار کتاب نوروفلسفه پاتریشیا چرچلند (۱۹۸۶) پیرامون ارتباط مغز با بحث‌های ذهنی، نقطه عطفی در توجه فیلسوفان به علم اعصاب بود.

5. On Deep History and the Brain (2008)

6. Lynn Hunt (1945)

7. Juhani Ihanus

8. neuropsychanalysis

9. neuropsychohistory

ترکیبی از تلاش‌های تحقیقاتی پیرامون ذهن، مغز، بدن و تاریخ‌روانی است. بحث روش‌شناختی و همکاری بین تاریخ و علوم اعصاب به‌دست نیلز بیرباومر<sup>۱</sup> روان‌شناس و عصب‌شناس اتریشی و دیتر لانگویچه<sup>۲</sup> مورخ آلمانی نیز ارائه شده است. ظاهراً دیماز<sup>۳</sup> نیز در ارجاعات پراکنده خود به تحقیقات علوم اعصاب، مراحل اولیه این کار را انجام داده است. (37: Ihanus, 2015). دیگر درک فرایندهای ذهنی و رفتار بدون شناخت فیزیولوژی مغز و اعصاب یا «عصبی‌زیستی»<sup>۴</sup> ناقص است.

برای رابطه میان تکامل زیست‌شناختی و تغییر فرهنگی و چگونگی تعامل ژن‌ها و فرهنگ مدل‌های متعددی مطرح شده است. همه این مدل‌ها در دوران طفولیت به سر می‌برند؛ از جمله مهم‌ترین آنها این است که فرهنگ را محصول تکامل مم‌ها<sup>۵</sup> دانسته‌اند. داوینز<sup>۶</sup> در کتاب ژن‌خودخواه برای اولین بار ایده این همانندساز (بازتولیدگر) جدید را مطرح کرد. مطابق این ادعا فرآورده‌های خاص فرهنگ می‌توانند به سبک داروینی و از طریق انتخاب طبیعی، به‌دست موجوداتی که الزاماً ژن و رشته‌های DNA نباشند، تکامل یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند. سوزان بلکومور<sup>۷</sup> نیز در کتاب خود ماشین مم تلاش می‌کند تا نشان دهد چطور مم‌ها می‌توانند رشد سریع مغز را توجیه کنند. یکی از اکتشافات مهم در زمینه نروسایکولوژی یا به گفته رامانچاندرا<sup>۸</sup> مهم‌ترین داستان گزارش‌نشده دهه‌های اخیر (Ramachandran, 2000:7) کشف «نورون‌های آینه‌ای»<sup>۹</sup> است. وی پیش‌بینی می‌کند، نورون‌های آینه‌ای همان کاری را برای روان‌شناسی انجام دهند که DNA برای زیست‌شناسی انجام داد (Ibid:1). این ایده‌های جدید را برخی از منتقدان، استعاراتی پوچ می‌پندارند و دیگران به‌عنوان ابزار کمکی سودمند در تحلیل فرهنگ در نظر می‌گیرند. اینکه این دیدگاه نو نهایتاً چه به بار خواهد آورد، هیچ‌کس مطمئن نیست.

1. Niels Birbaumer (1945)
2. Dieter Langewiesche (1943)
3. Lloyd deMause (1931-2020)
4. Neuro-Biological

۵. Meme که با کوتاه کردن کلمه یونانی Mimema (چیزی که تقلیدشده) به‌دست داوینز به وجود آمد. مم رفتاری غیروراثتی است که از راه تقلید در میان افراد یک جامعه انتقال می‌یابد (Learner'sDictionarie.comwww.Oxford)

6. Richard Dawkins (1941)
7. Susan Blackmore (1951)
8. Vilayanur Subramanian Ramachandran

متخصص مغز و اعصاب هندی-آمریکایی

۹. Mirror neuron studies، به‌دستیمی از محققان دانشگاه پارما به سرپرستی ریزولاتی و همراهی گالیزی روی میمون‌ها کشف شد. بتدریج آزمایشات پیشرفته تصویربرداری از مغز نشان داد که قسمتی از پیشانی انسان هنگامی که فرد شخص دیگری را در حال انجام عملی می‌بیند، فعال هستند. نورون شبیه «آینه» رفتارهای دیگری را کپی و در ذهن بازنمایی و تقلید می‌کند.

### نتیجه

همان‌گونه که کالینگوود در اواخر قرن بیستم اعلام کرد، دیرزمانی است که دوران تاریخ‌نویسی بر اساس مراجع و مآخذ یا همان «تاریخ چسب و قیچی» سپری شده است. کالینگوود چنان تاریخی را تاریخ نمی‌داند، تاریخ از نظر او «علمی» پویا است که در هر دوره و عصری باید، نه فقط بر اساس یافته‌های جدید، بلکه بر اساس ارزش‌ها، تفکرات و منطق حاکم بر اندیشه در هر عصری، از نو نوشته شود. انسان موضوع مطالعه روان‌شناسی، در یک بافت فرهنگی تاریخی و متأثر از شرایط زیستی رشد و تحول می‌یابد. تن و روان انسان هر دو در یک فرایند تاریخی شکل گرفته‌اند. یعنی همگام با عوامل اجتماعی، فرایندهای علوم طبیعی به‌خصوص زیست‌شناسی در پیچیده‌ترین جزئیات حیات انسانی نقش دارند و لازم نیست عوامل زیستی و فرهنگ را رقیب یکدیگر در نظر بگیریم. آنچه میراث زیستی ما شروع می‌کند، فرهنگ ممکن است برجسته‌تر کند. برای درک وضع بشر، هم ژن‌ها و هم فرهنگ باید فهمیده شوند. افراد نه محصول ژن‌ها یا محیط و نه ذات یا تربیت، بلکه تأثیر گرفته از هر دو هستند. البته سرعت تکامل بیولوژیک بشر بسیار کندتر از سرعت تکامل فرهنگی است. آدمی در طول حیات معمولی خود می‌تواند شاهد تغییرات فرهنگی باشد. به‌همین دلیل، شکل‌گیری جریان تکامل درباره ساختارهای جسمانی هم برای دانشمندان و هم برای مردم عادی، بسیار پذیرفته‌تر از پذیرش آن در رابطه با رفتار گونه‌هاست. محققان تاریخ با شناخت قوانین علم روان‌شناسی خواهند توانست علل و زمینه‌های رخ‌دادن وقایع و نتایج مترتب بر آنها را بهتر درک کنند. تحلیل روان‌شناختی علل شروع انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی و عملکرد مردم و عکس‌العمل حکومت‌ها در برابر آنها، تحلیل ویژگی‌های شخصیتی رهبران، شناخت و تحلیل احساسات، اندیشه‌ها و فهم روانی و میزان درک مردم هر عصر و... از جمله مباحثی است که به مورخان در شناخت ساختار اجتماعی دوران مطالعه‌شده و فهم عمیق‌تر موضوع مدنظر کمک بسیاری می‌کند. به نظر می‌رسد امروزه، روان‌شناسی و تاریخ می‌توانند به گذشته، به‌صورت مؤثرتری با هم در ارتباط باشند.

### منابع

- آقاجری، هاشم (۱۳۹۲) «روان‌شناسی تاریخی و تاریخ روان‌شناسی با تکیه بر نظریه فرهنگی تاریخی لویگوتسکی»، مجموعه مقالات همایش تاریخ و همکاری میان‌رشته‌ای، به‌کوشش داریوش رحمانیان، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۴۴-۱۵.
- باس، دیوید (۱۳۹۴) *روان‌شناسی تکاملی؛ دانشی نوین در کاوش ذهن*، ترجمه آرش حسینیان، تهران: مثلث.

- بنی‌جمال، احمد (۱۳۸۹) «درآمدی بر روان‌شناسی سیاسی رهبران»، فصلنامه تخصصی علوم/انسانی، شماره ۸، صص ۷۳-۵۹.
- توبی، جان؛ کاسمیدز، لدا (۱۳۹۶) *روان‌شناسی تکاملی*، ترجمه جواد حاتمی و هاشم صادقیه، چاپ ۲، تهران: بینش نوف.
- دوس، فرانسوا (۱۳۹۶) *تاریخ تکه‌تکه؛ از آنال تا «تاریخ جدید»*، ترجمه عبدالله نصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران: سمت.
- دیلنای، ویلهم (۱۳۹۲) *به فهم درآوردن جهان انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران: ققنوس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴) *تشکل جهان تاریخی در علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ ۲، تهران: ققنوس.
- شهابی، روح‌الله؛ احمدزاده، محمدمیر (۱۳۹۵) «درآمدی بر چالش‌ها و راه‌کارهای بهره‌گیری از یافته‌های روان‌شناختی در تحلیل تاریخی»، دو فصلنامه *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)*، سال ۲۶، شماره ۱۷، پیاپی ۱۰۲، صص ۹۱-۱۱۶.
- فروم، اریش (۱۳۵۷) *جامعه سالم*، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات کتابخانه بهجت.
- کارترایت، جان (۱۳۹۴) *تکامل و رفتار انسان*، ترجمه بهزاد سروری خراشاد، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- لیتونیتف، آلکسی (۱۳۷۶) «نظریه ویگوتسکی؛ دیروز، امروز و فردا»، ترجمه بهروز عزب‌دفتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۵، صص ۱۳۳-۱۱۸.
- مجتهدی، حسین (۱۳۹۲) «بررسی میان‌رشته‌ای تعامل دانش تاریخ و روان‌کاوی»، مجموعه مقالات *همایش تاریخ و همکاری میان‌رشته‌ای*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۳۹۹-۳۸۱.
- منافزاده، علیرضا (۱۳۶۹) «ذهنیت و تاریخ»، *ایران‌نامه*، شماره ۳۲، صص ۵۸۸-۵۶۷.
- هراری، یووال نوح (۱۳۹۶) *انسان خردمند تاریخ مختصر نوع بشر*، ترجمه نیک گرگین، تهران: فرهنگ نشر نو.
- هیوز، هنری استیوارت (۱۳۷۸) *هجرت اندیشه سیاسی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲) *راه فروبیسته؛ اندیشه اجتماعی در فرانسه در سال‌های درماندگی* / از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- Barzun, Jacques (1972) History: The Muse and Her Doctors, The American Historical Review, Volume 77, Issue 1, February 1972, Pages 36-64.
- Burman, J. T. (2012). History from within? Contextualizing the new neurohistory and seeking its methods. *History of Psychology*, 15(1), 84-99.
- Costall, Alan and Connelly, James (2000). 'A.R.G Collingwood and the Idea of an historical psychology', *Theory & Psychology*, vol 10(2), pages 147-170.
- Kohut, Thomas (1986). Psychohistory as History, *The American Historical Review*, Vol. 91, No. 2, pp. 336-354
- langer, William (1958). The Next Assignment, *The American Historical Review*, Vol. 63, No. 2, pp. 283-304.
- Munsterberg, Hugo (1898). 'Psychology and History', President's Address, American Psychological Association, New York Meeting. First published in *Psychological Review*, 6, 1-31.
- Ramachandran, Vilayanur. (2000). "Mirror neurons and imitation learning as the driving force

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰ / ۱۷۳

behind "the great leap forward" in human evolution" .[http://www.edge.org/3rd\\_culture/Runyan, W.M\(1988\).Psychology and historical Interpretation.New York: Oxford University Press](http://www.edge.org/3rd_culture/Runyan_W.M(1988).Psychology_and_historical_Interpretation.New_York:_Oxford_University_Press).

Shepherd, Michael(1978).Clio and Psyche:the lessons of psychohistory, Journal ofthe Royal Society ofMedicine Volume 71,pages 406-412.

Vaughn-Blount, Rutherford, Baker& Johnson (2009) "History's Mysteries Demystified: Becoming a Psychologist-Historian,The American Journal of Psychology, Spring 2009, Vol. 122, No. 1 pp. 117-129.

Pizarroso, Noemi(2013). MIND'S HISTORICITY: Its Hidden History, History of Psychology, Vol. 16, No. 1, 72-90

<https://www.etymonline.com>

<https://www.OxfordLearner'sDictionarie.com>

<https://www.britannica.com>

### List of sources with English handwriting

- Āgājarī, Hāšem. (1392). "Historical Psychology and Psychological History with a Focus on Lev Vygotsky's Cultural-Historical Theory." Pp. 15-44 in *Collected Papers of the Seminar on History and Interdisciplinary Collaborations*, edited by Dārūš Raḥmānīyān. Tehrān: Research Center for Islamic History.
- Banī Jamālī, Aḥmad. (1389). "Introduction to Political Psychology of Leaders." *Specialized Quarterly of Humanities*. No. 8. Pp. 59-73.
- Barzun, Jacques (1972). History: The Muse and Her Doctors, *The American Historical Review*, Volume 77, Issue 1, February 1972, Pages 36–64.
- Burman, J. T. (2012). History from within? Contextualizing the new neurohistory and seeking its methods. *History of Psychology*, 15(1), 84–99.
- Buss, David M. (2015). *Evolutionary Psychology: The New Science of the Mind*. Translated by Araš Hoseīnīyān. Tehrān: Motallāt.
- Cartwright, John. (2015). *Evolution and Human Behavior*. Translated by Behzād Sarvarī ḵorašād. Mashhad: jahād-e Dānešgahī press.
- Costall, Alan and Connelly, James (2000). 'A.R.G Collingwood and the Idea of an historical psychology', *Theory & Psychology*. vol 10(2), pages 147-170.
- Dilthey, Wilhelm. (1394). *Understanding the human world*. Translated by Manoūchehr Šāne'ī Darreh Bīdī. First edition. Tehrān: Qoqnoūs Press.
- Dilthey, Wilhelm. (1395). *The formation of the historical world in the human sciences*. Translated by Manoūchehr Šāne'ī Darreh Bīdī. First edition. Tehrān: Qoqnoūs Press.
- Dosse, Francois. (1396). *L'histoire en miettes: Des Annales a la 'nouvelle histoire.'* Translated by 'Abdollah Nāšerī Ṭāherī & Somayeh Sādāt Ṭabātabā'ī. Tehrān: Samt Press.

### English Source

- Fromm, Erich. (1357). *The Sane Society*. Translated by Akbar Tabrīzī. First edition. Tehrān: The Behjat Library Press.
- Harari, Yuval Noah. (2017). *Sapiens: A Brief History of Humankind*. Translated by Nick Gorgin. Tehrān: Farhang-e Našr-e No Press.
- Hughes, Henry Stuart. (1999). *The Sea change: The Migration of Social Thought 1930-1965*. Translated by Ezzatollah Foūlād Vand. Tehrān: Tarḥ-e No Press.
- Hughes, Henry Stuart. (2013). *The Obstructed Path: French Social Thought in the Years of Desperation 1930-1960*. Translated by Ezzatollah Foūlād Vand. Tehrān: Scientific and Cultural Press.
- Kohut, Thomas (1986). Psychohistory as History, *The American Historical Review*, Vol. 91, No. 2, pp. 336-354
- langer, William (1958). The Next Assignment, *The American Historical Review*, Vol. 63, No. 2, pp. 283-304.
- Leontiev, Aleksei. (1376). "The Vygotsky's Theory: Yesterday, Today, and Tomorrow." Translated by Behrouz 'Azabdaftari. *joḡrāfiyā VA Barnāmeḥ-rīzī journal*. Fall and spring. No. 5. 118-133.
- Manāf-zādeh, 'Alīrezā. (1990). "Mentality and History." *Iran-Nameh*. No. 32. Pp. 567-588.
- Mojtahedi, Hossein. (2013). "A transdisciplinary Study of History and Psychoanalysis." Pp. 381-399 in *Collected Papers of the Seminar on History and Interdisciplinary Collaborations*. Tehran: Research Center for Islamic History.
- Munsterberg, Hugo (1898). 'Psychology and History', President's Address, American Psychological Association, New York Meeting. First published in *Psychological Review*, 6, 1-31.
- Ramachandran, Vilayanur. (2000). "Mirror neurons and imitation learning as the driving force behind "the great leap forward" in human evolution" .[http://www.edge.org/3rd\\_culture/Ramachandran,Vilayanur.\(2000\).\"Mirror neurons and imitation learning as the driving force behind \"the great leap forward\" in human evolution\" .http://www.edge.org/3rd\\_culture/](http://www.edge.org/3rd_culture/Ramachandran,Vilayanur.(2000).\)

Runyan, W.M (1988). Psychology and historical Interpretation. New York: Oxford University Press.

Šahābī, Rūḥollāh and Moḥammad Amīr Aḥmadzādeh. (1395). "Utilizing of Psychological Findings in Historical Analysis; a Critical Review," Historical Perspective & Historiography journal of Alzahra University. 26<sup>th</sup> year. The new run. No. 17. Consecutive no. 102. Spring and summer. Pp. 91-116.

Shepherd, Michael (1978). Clio and Psyche: the lessons of psychohistory, Journal of the Royal Society of Medicine Volume 71, pages 406-412.

Tooby, John & Leda Cosmides. (2017). *The handbook of evolutionary psychology*. Translated by DR. Javād Hātāmī and Hāšem Šādeqīyeh. Second edition. Tehrān: Bīneš-e Nowf.

Vaughn-Blount, Rutherford, Baker & Johnson (2009). "History's Mysteries Demystified: Becoming a Psychologist-Historian," *The American Journal of Psychology*, Spring 2009, Vol. 122, No. 1 pp. 117-129.

Pizarroso, Noemí (2013). MIND'S HISTORICITY: Its Hidden History, *History of Psychology*, Vol. 16, No. 1, 72-90

<https://www.etymonline.com>

<https://www.OxfordLearner'sDictionarie.com>



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

## From historical psychology to psychological history<sup>1</sup>

Zahra Ghadiyaninejad Razki<sup>2</sup>  
Foad Pourarian<sup>3</sup>  
Hossien Moftakhari<sup>4</sup>  
Alireza Moradi<sup>5</sup>

Received: 2021/07/17  
Accepted: 2021/11/18

### Abstract

Psychology as a discipline concerned with human behavior can provide history researchers with new perspectives to reread the past. No knowledge is capable of recognizing all aspects of human life by itself.

Two interdisciplinary approaches, namely *historical psychology* and *psychological history*, or *psychohistory*, were developed through the connection of history and psychology. In psychological history, historians endeavor to apply psychological theories and methods to analyze historical phenomena in the same way that psychologists benefit from historical approaches to explain human behavior in historical psychology. The interaction between psychological and biological explanations and the advances in neurosciences, paved the way for presenting a new approach in history, i.e., *neurohistory*, which introduced the brain as the focus of history narration by foregrounding the evolution theory.

By describing the historical process of the history-psychology association, emphasizing *psychological history*, and accentuating the application of psychology and its pertained knowledge, i.e., biology, the author attempts to introduce a new attitude toward explaining human behavior and analyzing historical events rarely known in Iran. It is possible to set forth the evolution development in relation to human behavior besides physical structures. Both the human body and psyche have been developed in a single historical process.

**Keywords:** Historical psychology, Psychological history, Psychohistory, Neurohistory.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2021.36849.1546

2. Ph.D. candidate in history of Islamic Iran, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding author). [Zahra.ghadiyani@gmail.com](mailto:Zahra.ghadiyani@gmail.com)

3. Associate Professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran. [Pour721@gmail.com](mailto:Pour721@gmail.com)

4. Professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran. [mofstakhari@khu.ac.ir](mailto:mofstakhari@khu.ac.ir)

5. Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran. [moradi@khu.ac.ir](mailto:moradi@khu.ac.ir)

-The article extracted from the doctoral dissertation entitled "Psychological analysis of the role of urban subordinates in the nationalization movement of Iran's oil industry 1951-1953" at Kharazmi University (Tehran) in 2021.

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507